

چه کسی در کربلا پیروز شد؟

...جریان سیدالشهداء نه تنها در قبر بی نظیر بود، در حال جان دادن هم بی نظیر بود. در حال جان دادن هم که شنیده‌اید؛ چون آنجا هم مستحب است...



...جریان سیدالشهداء نه تنها در قبر بی نظیر بود، در حال جان دادن هم بی نظیر بود. در حال جان دادن هم که شنیده‌اید؛ چون آنجا هم مستحب است، یا جزء آداب احتضار است که اگر کسی مُحْتَضِر است، در حال جان دادن است؛ کسی دست به سینه‌اش نگذارد. این مُحْتَضِر است، بالأخره در کشاکش مرگ است؛ گفتند: دست به سینه‌اش نگذارید، بگذارید آسان جان بدهد. خانواده‌های شاهد، بدانند فرزندان‌شان برای یک همچنین امامی رفتند؛ با او محشورند!

وجود مبارک اَبی عبدالله (ع) که در قتلگاه تمام قسمت‌های چشمان مطهرش را خون گرفت، چشمان مطهرش بسته بود؛ دید این سینه سنگین شده؛ فرمود: کیستی؟ هر که هستی بدان، جای بلندی نشسته‌ای.

«#؛لَقَدْ ارْتَقَيْتَ مُرْتَقًا عَظِيمًا طَالَمَا قَبِلَهُ رَسُولُ اللَّهِ...« (ناسخ التواریخ / ج 2 / ص 390) هر که هستی، بدان اینجا خیلی بلند است. اینجا را پیغمبر مکرر می‌بوسید. دیگران می‌دیدند وجود مبارک پیغمبر این دکمه‌ها را باز می‌کند، از یقه تا این قسمت سینه را مکرر می‌بوسد. نمی‌دانستند رازش چیست! چه اینکه لبان مطهر اَبی عبدالله را هم می‌بوسد، نمی‌دانستند که رازش چیست!

وجود مبارک امام سجاد (ع) شبی که آمدند تا بدن شهدای کربلا را دفن کنند، همه را معرفی کرد، دستور داد همه آن ابدان را بیاورند پائین پای وجود مبارک سیدالشهداء (ع)؛ با کمک بنی اسد آن ابدان دفن می‌شدند.

نوبت به 2 تا بدن که رسید، شخصاً این بدن‌ها را دفن کرد و به اینها اجازه نداد. یکی بدن مبارک قمر بنی هاشم بود، چون به عمویش خیلی اظهار ارادت می‌کرد. در «#؛الْأَمَالِي لِلصَّدُوقِ« صفحه 463 آمده است «#؛إِنَّ لِعَمَى الْعَبَّاسِ دَرَجَةً يَغِيظُهُ بِهَا جَمِيعُ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ...« خیلی به عمویش احترام می‌کرد.

حالا از مقامات قمر بنی هاشم چه خبر داشت، ما اطلاعی نداریم. حُب او کسی است که بالأخره هم وجود مبارک سیدالشهداء به قمر بنی هاشم فرمود: من به فدای تو، اِرْكَبُ نَفْسِي أَنْتَ ... هم امام صادق (ع) درباره او یک زیارت عظیمی دارد، هم امام سجاد این حرف را زد. با این 2 تا بدن یک کار اختصاصی کرد؛ که شخصاً وارد قبر شد، این بدن‌ها را شخصاً به قبر برد و شخصاً دفن کرد. و اگر می‌گفتند: شما به تنهایی چگونه این بدن را دفن می‌کنید، می‌فرمود: إِنْ مَعِيَ مَنْ يَعِيشِي؛ با من کسانی هستند که من را کمک کنند.

جزء آداب دفن این است که وقتی مرده را در قبر گذاشتند، این کفن را از صورتش باز می‌کنند، این صورت را روی خاک می‌گذارند، 2 - 3 بار این جمله را با خدای سبحان می‌گویند: عَفْوَكْ، عَفْوَكْ، عَفْوَكْ. حالا وجود مبارک امام سجاد (ع) بدن مطهر سیدالشهداء (ع) را به قبر سپرد. می‌خواهد کفن از صورتش بردارد، صورت مطهرش را روی خاک بگذارد، بگوید: عَفْوَكْ، عَفْوَكْ! هیچ مصیبتی به اندازه مصیبت امام سجاد (ع) نیست؛ با این بدن چه کرد...

در شام وقتی از امام سجاد (ع) سؤال کردند در این جریان و در این جنگ چه کسی پیروز شد، فرمود: ما. با اینکه حضرت را با زنجیر اسارت وارد شام کرده‌اند، فرمود: «#؛ما رفتیم، و دین را آزاد کردیم. مردم فهمیدند اسلام یعنی چه، قرآن یعنی چه، ست یعنی چه؛ و ... همه این امور را آزاد کردیم و برگشتیم؛ إِذَا ارْذَتَ أَنْ تَعْرِفَ مَنْ غَلَبَ فَإِذَا دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَادْنُ وَاقِمْ.«

جریان کربلا سالیان متمادی ذکرش، روضه خوانی‌اش، عرض ادب به پیشگاه سالار شهیدان قدغن بود، تا عصر عباسی‌ها هم همین طور بود؛ بعدها کم کم رواج پیدا کرد. آنوقت همین امام سجاد (ع) برای اینکه این نام را حفظ بکند؛ از هر فرصتی برای احیای نام کربلا استفاده می‌کرد. آب می‌آوردند برای وضو، حضرت متأثر می‌شد؛ گاهی هم اشک می‌ریخت. گوسفند ذبح شده‌ای را می‌دید، متأثر می‌شد. نام غریب یا مظلومی را می‌شنید، متأثر می‌شد؛ در بسیاری از موارد اشک می‌ریخت و با این اشک کربلا را نگه داشت. با این مرثیه خوانی و نوحه خوانی و عزاداری بسیاری از ائمه (ع) جریان کربلا را زنده نگه داشتند.

وجود مبارک امام پنجم، امام باقر (ع) وصیت کرده بود که بخشی از مال مرا وقف کنید، لِتَوَادِبَ تَنْدُبِي يَمْتِي عَشْرَ سَنِينَ فرمود: زائران، حاجیان؛ وقتی اعمال‌شان را انجام دادند، در منا یک فراغتی دارند. یک دو یا سه شبی که آنجا هستند؛ شب یازدهم و شب دوازدهم را هستند، برخی‌ها هم ممکن است تا شب سیزدهم باشند. این دو شب را یک فراغتی دارند، برنامه‌ای ندارند، فقط بیتوته است. اینها آماده‌اند برای شنیدن؛ قبلاً در جاهلیت وقتی کارهایشان تمام می‌شد در منا، به مفاخر قوم و تبار و نیای خودشان می‌پرداختند، اسلام

که آمد، گفت: این حرف‌ها را بردارید، مفاخر قرآن و انبیاء و اولیاء را بازگو کنید، آنها فخر نیست.

وجود مبارک امام باقر (ع) فرمود: مالی را من وقف کردم، 10 سال در منا برای من عزاداری کنید... یعنی نام خاندان عصمت و طهارت را، هدف، برنامه و انگیزه و هدایت‌های ائمه (ع) را، علوم و معارف دین را 10 سال برای مردم منتقل بکنید که کم کم این آثار بماند.

برای همین ائمه (ع) اصرار داشتند که اگر کسی این نام را احیاء کند، قدمی که به طرف مراسم عزای سالار شهیدان می‌رود، مخصوصاً آن وقت؛ و در همه اعصار، این برکت را دارد که این نام زنده می‌شود. انسان با حضور در محافل حسینی (ع) معنای اسلام را، معنای قرآن را، معنای سنت را، معنای اسیر و امیر را، معنای مصادره شدن دین را کاملاً می‌فهمد. آن وقت وظیفه خود را در برابر این امور کاملاً می‌شناسد.

گفتاری از آیه‌الله جوادی آملی